

اروپا در کنار تقویت اتحادهای نظامی در منطقه مهمترین عناصر قوام‌بخش استراتژی کلان آمریکا برای کاهش قدرت چین و تضعیف نفوذ ایران در خاورمیانه به شمار می‌روند و در این بین، سیاست‌های نتانیاهاو و جمهوری اسلامی ایران مهمترین موانع اجرای این استراتژی کلان هستند. بدین سبب وی بر آن است که دولت آمریکا برای اجرای این استراتژی کلان باید با هر دوی این موانع مقابله کند. وی در هشدارهای شبیه به توصیه از نتانیاهاو می‌خواهد تا با کنار گذاشتن سیاست‌های کنونی در همراهی با تشکیلات خودگردان فلسطینی و آمریکا، زمینه اجرای استراتژی کلان مورد نظر را فراهم کند. از نظر فریدمن، تشکیلات خودگردان فلسطینی می‌تواند به نمایندگی از مردم فلسطین برای همزیستی دو ملت و پایان جنگ، فضایی امن را فراهم کند و از این طریق زمینه‌های نفوذ امنیتی-سیاسی ایران در بین کشورهای عربی را نیز ریشه‌کن کند. فریدمن بر این باور است که نتانیاهاو گرچه از این پیامد و منفعت استراتژیک آگاه است اما به سبب ترجیح منافع فردی و حزبی، حاضر به پذیرش طرح دودولتی نیست.

گرچه این ادعا با در نظر داشت بحران کنونی در غزه و همچنین تأمل در سیاست‌های پیشین نتانیاهاو، استدلالی پذیرفتنی به نظر می‌رسد اما تعمق بیشتر در چرایی این رفتارها و نتایجی که برای این سیاست‌ها تصور شده، نشان می‌دهد که جنگ در غزه و در ادامه گسترش بحران به لبنان، یمن، عراق و حتی ایران، بخشی از همان استراتژی کلان آمریکا در بُعدی نظامی است. گفته آمد که از نظرگاه فریدمن، ایران و گروه‌های نیابتی این کشور مهمترین موانع اجرای استراتژی کلان آمریکا هستند و تا زمانی که نیروی نظامی این گروه‌ها از بین نرود، اجرای استراتژی کلان آمریکا ناممکن است. با در نظر داشت این استدلال، پرسش مهم این است که چگونه می‌توان توان نظامی ایران و گروه‌های نیابتی این کشور را از بین برد؟ راه حل فریدمن، موافقت اسرائیل با طرح دودولتی است. از نظرگاه وی در صورت اجرای طرح دودولتی و تشکیل دولت مستقل فلسطینی، ایران دیگر نمی‌تواند به بهانه مسئله فلسطین، بر افکار عمومی کشورهای منطقه مسلط و گروه‌های نیابتی را ذیل یک آرمان مشترک، متحد کند. از نظر فریدمن تا زمانی که دولت مستقل فلسطینی تشکیل نشود ایران برای تداول سیاست‌های «توسعه‌طلبانه» خود همچنان دستاویزی نیرومند در اختیار خواهد داشت.

گرچه بر خسی دولتمردان آمریکایی و تحلیل‌گران غربی، در این استدلال، وجوهی از حقیقت را مشاهده می‌کنند اما به نظر می‌رسد طیفی دیگر بر این باورند که از بین بردن نفوذ ایران و کارکنی‌های این کشور برای اجرای استراتژی کلان آمریکا تنها از مسیر مقابله نظامی امکان‌پذیر است. حتی اجرای موفقیت‌آمیز طرح دودولتی نمی‌تواند مانع از اقدامات نظامی ایران و گروه‌های نیابتی این کشور شود. این دسته از تحلیل‌گران با استناد به بخشی از استدلال خود فریدمن بر این باورند که موضوع فلسطین برای ایران تنها بهانه‌ای برای پیشبرد بلندپروازی‌های سیاسی و نظامی است و حتی در غیاب مسئله فلسطین، گروه‌های نیابتی به سبب پیوندهای مالی و ایدئولوژیک همچنان از سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در منطقه پیروی خواهند کرد. از نظرگاه این دسته از تحلیل‌گران، ایران برای پیشبرد سیاست‌های منطقه‌ای خود بر روی دو توان هسته‌ای و گروه‌های نیابتی سرمایه‌گذاری کرده و بر آن است تا این دو نیرو را در هم‌افزایی با توان موشکی به یک شبکه نظامی پایدار تبدیل کند. اجرای هر استراتژی کلانی در منطقه نیازمند از بین بردن توان ایران در این سه عرصه است. کوشش‌های دولت‌های آمریکایی برای توافق و کنترل برنامه هسته‌ای ایران از مجرای بازرسی‌های آژانس بین‌المللی انرژی اتمی از یک‌سو و اکتسون به بهانه جنگ غزه، حمله به گروه‌های نیابتی ایران و تضعیف توان نظامی این گروه‌ها از سویی دیگر سیاست‌هایی موازی برای پیشبرد همان استراتژی کلان است. چون از این دریچه به رویدادها نظر افکنیم، به خوبی می‌توانیم دریابیم که اکنون سیاست نتانیاهاو برای از بین بردن توان نظامی حماس در غزه با ترور رهبران و نابودی زیرساخت‌های این گروه و در ادامه حمله احتمالی به حزب الله لبنان و پیش از آن ترغیب آمریکا و انگلیس در حمله به یمن بخشی از همان استراتژی کلان آمریکا در منطقه است. گرچه آمریکا همچنان از ورود به یک جنگ بزرگ در منطقه اجتناب می‌کند اما تا بدان جا که اقدامات اسرائیل سبب از بین رفتن توان نظامی گروه‌های مورد حمایت ایران شود، از این رژیم حمایت خواهد کرد. آمریکا در پس تمامی این اقدامات نظامی تنها نگران وقوع یک جنگ تمام‌عیار با ایران است و به همین سبب تمامی کوشش خود را برای جلوگیری از آن انجام خواهد داد اما تا بدان جا که خطر جنگی بزرگ در میان نباشد از حملات اسرائیل علیه گروه‌های نیابتی ایران، حمایت خواهد کرد.

در مجموع می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که اقدامات نظامی اسرائیل در حمله به گروه‌های مورد حمایت ایران و حتی تهدید به حمله مستقیم به تهران، با موافقت و همراهی آمریکا انجام می‌شود و واشنگتن تنها نگران تبدیل این حملات به یک جنگ تمام‌عیار با ایران است به همین سبب می‌کوشد با اقدامات دیپلماتیک و حتی تهدید نظامی مانع از وقوع جنگ شود.

حماس مشروعیت‌زایی کرده و به جهانیان و مردم خودش القاء کند که اسرائیل شریکی برای راه حل دوشواری ندارد. نتانیاهاو تنها با حرکت دادن این مهره شطرنج، یعنی استقبال از تشکیلات خودگردان فلسطینی، می‌تواند اتحاد ایالات متحده آمریکا، اسرائیل و کشورهای عربی را تقویت کند. افزون بر این، وجود یک تشکیلات حکومتی فلسطینی در غزه که اسرائیل را تهدید نکند قادر است ایران و گروه‌های نیابتی این کشور را در ابعاد نظامی و سیاسی منزوی و شرط‌بندی آنها بر روی جنگ حماس در غزه را به بهای هدر دادن جان و مال مردم تبدیل کند. اما نتانیاهاو برای انجام این کار باید دولت ائتلافی خود را به خطر بیندازد. چراکه شرکای راست افراطی او با هرگونه معامله با فلسطینی‌ها مخالفند.

جان کلام، در اوایل جنگ غزه معتقد بودم که این مخاطرات واقعی هستند، اما اکنون کاملاً واضح به نظر می‌رسد. آنچه همچنان مهم است این است که نتانیاهاو در پی چیست؟ قصد دارد منافع چه کسی را تأمین کند؟ منافع اسرائیل، آمریکا یا ایران؟

اگر نتانیاهاو اقدام درستی را انجام داده بود، اکنون ایران توان سیاسی خود را از دست رفته می‌دید. ایران دیگر نمی‌توانست با مخفی کردن خود و گروه‌های نیابتی‌اش در پس آرمان فلسطین، هدف نهایی‌اش یعنی کنترل کل جهان عرب را پنهان کند. ایران مدت‌هاست که از فرستادن فلسطینی‌ها، لبنانی‌ها، یمنی‌ها، عراقی‌ها و سوری‌ها برای قربانی شدن در راه «آرمان فلسطین» مسرور است اما اگر ایجاب کند هرگز جان ایرانی‌ها را به خطر نمی‌اندازد. اشکی که رهبران ایران برای فلسطینی‌ها می‌ریزند، همگی نوعی نمایش است، همه این اقدامات تنها پوششی برای ماجراجویی امپریالیستی منطقه‌ای تهران است.

نتانیاهاو اکنون می‌تواند کل این بازی را به هم بزند. اما این امر مستلزم آن است که او منافع اسرائیل را بر بقای سیاسی خود مقدم دارد. آیا او این کار را انجام خواهد داد؟

ارزیابی

از نظرگاه توماس فریدمن تحلیل‌گر شهیر آمریکایی، اجرای طرح دو دولت، تشکیل دولت مستقل فلسطینی، عادی‌سازی روابط اسرائیل با کشورهای منطقه، تقویت اتحاد اقتصادی گروه ۱۲-۱۵، کریدور هند-خاورمیانه-

اظهاراتی هشدار می‌دهد که کشورهای مسلمانی که در حال عادی‌سازی با اسرائیل هستند، «روی اسب بازنده شرط‌بندی می‌کنند». رهبر ایران همچنین خطاب به مقامات دولتی و سفرای کشورهای اسلامی پیش‌بینی کرد که اسرائیل به زودی ریشه کن خواهد شد. موضع قطعی جمهوری اسلامی ایران این است که دولت‌هایی که قمار عادی‌سازی روابط با رژیم صهیونیستی را در اولویت قرار می‌دهند، متحمل ضرر و زیان خواهند شد.... «امروز شرایط رژیم صهیونیستی به گونه‌ای نیست که انگیزه‌ای برای عادی‌سازی روابط کشورهای مسلمان فراهم کند. این کشورها نباید چنین اشتباهی را مرتکب شوند.»

صرف‌نظر از اینکه ایران از زمان بندی دقیق حمله حماس در ۷ اکتبر مطلع بوده یا خیر، بی‌تردید رهبران ایران، تهاجم حماس به غزه را راهی برای منزوی ساختن اسرائیل و آمریکا از طریق وادار کردن تل آویو به تحمیل هزاران تلفات غیرنظامی برای شکست شبکه زیرزمینی حماس و تضعیف هرگونه عادی‌سازی سعودی-فلسطینی-اسرائیلی تفسیر می‌کردند. تصویر بزرگتر اینجاست.

حال پرسش این است که این شرایط چگونه پایان خواهد یافت؟ در ماه گذشته، اسرائیل فؤاد شکر، فرمانده ارشد حزب الله را در بیروت، اسماعیل هنیه رهبر سیاسی حماس را در تهران و محمد ضیف، فرمانده نظامی حماس را در غزه ترور کرده است. هر سه این رهبران در پی تشویق حامیان خود برای نابودی دولت یهودی اسرائیل بودند. اما اسرائیل پیش از این رهبران شماره ۱ و ۲ حماس را نیز ترور کرده بود. مشکل این است که حماس و حزب الله شبکه هستند و همانطور که استراتژیست شبکه، جان آرکیلا، نویسنده کتاب «بیتسکرگ: چالش جدید جنگ سایبری»، زمانی به من

آموخت، «در یک شبکه، همه شماره ۲ هستند». جانشینان همواره ظاهر می‌شوند، اغلب بدتر از پیشینیان خود. تنها راه برای به حاشیه‌راندن واقعی سیاسی حماس و منزوی کردن ایران در منطقه این است که اسرائیل نیروی سیاسی بدیل و میانه‌روتر را انتخاب کند: تشکیلات خودگردان فلسطین، گروهی که توافقنامه اسلو را پذیرفته و هر روز برای کاهش خشونت‌ها در کرانه باختری با اسرائیل همکاری می‌کند. نتانیاهاو به خوبی از این امکان آگاه است، اما نمی‌پذیرد چراکه قصد دارد از هر جایگزین معتبر فلسطینی برای



با شروط پیچیده نتانیاهاو توافقی در کار نخواهد بود

یو آو گالانت، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی در جدیدترین اظهارنظر خود درباره امکان دستیابی به یک توافق برای تبادل اسیران بین رژیم صهیونیستی و مقاومت فلسطین گفت: «بر این باورم که باید به توافق (تبادل اسیر) به عنوان فرصتی راهبردی نگاه کرد و نتانیاهاومی داند که به خاطر شروط پیچیده‌اش، توافقی در کار نخواهد بود.» در همین پیوند، «گادی آیزنکوت» عضو پیشین کابینه جنگ رژیم صهیونیستی نیز روز گذشته به انتقاد شدید نتانیاهاو به خاطر تعلل و کارشکنی در دستیابی به توافق مبادله اسیران با مقاومت فلسطین خطاب به او گفت: «شرایط رسیدن به توافق فراهم شده است، چرا منتظر رسیدن به تنش منطقه‌ای هستی؟ آنچه اتفاق افتاده و می‌افتد، تحقق چشم‌انداز «یحیی السنوار» (رئیس جنبش حماس در نوار غزه) و ایرانی‌ها است. پیش از این، «الون بن دیوید» کارشناس نظامی صهیونیست به نقل از یک مسئول امنیتی ارشد رژیم صهیونیستی گفت: «توافق تبادل اسیر در حال حاضر می‌تواند مانع بروز جنگ منطقه‌ای شود.»



تحریم تسلیحاتی اسرائیل از سوی انگلیس

روزنامه دیلی میل از تحریم تسلیحاتی رژیم صهیونیستی توسط دولت انگلیس به دلیل جنایات جنگی خبر داد. دولت انگلیس پس از اجرای «تحریم تسلیحاتی مخفی» علیه اسرائیل، خشم بسیاری را برانگیخته است. به نوشته این رسانه، این در حالی است که دیوید لایمی، وزیر امور خارجه انگلیس پیش از این اعلام کرده بود هیچ تصمیمی در مورد صادرات تسلیحات قبل از ارزیابی دقیق قانونی گرفته نمی‌شود. انتظار می‌رود دولت انگلیس طرح ممنوعیت صادرات تسلیحات تهاجمی را بر اسرائیل به دلیل جنایات جنگی که پیش از این وعده‌اش را داده بود، به اواخر تابستان موکول کرده باشد. علاوه بر این، براساس گزارش این روزنامه، دولت انگلیس در حال حاضر تمامی درخواست‌های برای صدور مجوز صادرات تسلیحات به اسرائیل را متوقف کرده است. این بدان معناست که شرکت‌ها حتی نمی‌توانند برای قراردادهایی مانند رادیوهای نظامی یا زره نیز مجوز صادر کنند. اندرو میچل وزیر امور خارجه سایه دولت انگلیس این اقدام را با توجه به اینکه ایران در آستانه حمله به اسرائیل است، «عجیب» خواند.



حضور هند در منطقه هندو اقیانوسیه

تارنمای خبری ستریت تایمز (straitstimes) چاپ سنگاپور در تحلیلی پیرامون دیدار اخیر رهبران هند و ویتنام نوشت: «دهلی‌نودر سایه همکاری‌های دفاعی، قصد دارد حضوری پررنگ‌تر در منطقه هند و اقیانوسیه جایی که چین دارای قدرت نفوذ است، داشته باشد.» این نشریه سنگاپوری در تحلیلی به قلم «نیرمالا گاناپات (Nirmala Ganapathy) رئیس شعبه دفتر خود در هند، نوشت: «همکاری دفاعی بین هند و ویتنام بر نزدیکی فزاینده بین دو کشور تأکید دارد؛ اما با این وجود دارای ابعاد راهبردی برای دهلی‌نو است.» ستریت تایمز نوشت: «نخستین ملاقات نخست‌وزیر ویتنام از هند در یک دهه اخیر صورت می‌گیرد و دهلی‌نو (در سال‌های اخیر) با تأمین فایده‌های گشت‌زنی و گارد ساحلی، توان امنیت‌دریابی ویتنام را بالا برده است، اما در عین حال این اقدام در راستای بلندپروازی‌های هند به عنوان تأمین‌کننده نیازهای دفاعی کشورهای منطقه است.»

کن آمریکا

بزرگی کلان آمریکا در منطقه خاورمیانه هموار می‌کند؟

